

متن پرسش

با سلام: به نظرم با توجه به مطالب کتاب «از برهان تا عرفان» همانطور که مرحوم ملاصدرا گامی فراتر از وحدت تشکیکی وجود برداشت و به وحدت شخصی رسید ازین وحدت نیز باید عبور کرد و به وحدت حقیقی غیر متکثر که وحدت را در وجود و ظهور می داند رسید. برای این که خداوند حد نخورد ناگزیر از نفی وجود ماسوا هستیم و وقتی به غیر او چیزی نباشد برای اینکه ذات خدا دچار کثرت نشود باید قایل شد که جز ذات بسیط حق چیز دیگری نیست اما وهم ما کما اینکه برای سهولت خویش صفاتی را بر آن ذات یگانه قائل می شود ظهوراتی نیز در نظر می گیرد گر چه هیچ یک بهره ای از حقیقت ندارند. (نیست غیر از ذات او اندر جهان / ما بقی وهم و خیالست و گمان / وحدت اندر وحدت است ای عارفان / ذات بی اسمش بود این سان عیان)

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همان طور که به خوبی متوجه شده‌اید غیر از حق در عالم نیست، ولی حضرت حق با اسماء خود اعیان اشیاء را وجود می‌دهد و این کثرات مربوط به اعیان موجودات است که با نور اسماء الهی به صحنه آمده‌اند و از این جهت این کثرات، گزافه نیست و در نگاه وحدت شخصیه ظهورات اسماء الهی هستند و بدین معنا تشکیک در ظهور که در واقع، ظهور اسماء است در محدودیت اعیان معنا می‌دهد. موفق باشید